

مجید زین العابدین (مدیر عامل بنیاد سینمایی فارابی و دبیر جشنواره ۳۵ اصفهان):

از فیلم سازان بنام و صاحب تجربه دعوت کرده ایم

در دهه ۶۰ فیلم سازانی در حوزه کودک داشتیم که بسیار دغدغه مند و حرفه‌ای آثار خوبی را در این زمینه ارائه داده‌اند سوال من این است که فارابی چه تمهیدی را برای بازگشت این نسل از فیلم سازان به بدنه سینمای کودک اندیشیده است؟

البته که مقایسه دهه‌ها با یکدیگر، باید با در نظر گرفتن پیش فرض‌های چون تابعیت هر دوره همراه باشد. از دهه ۶۰ تاکنون منظومه تولید و ساخت اثر به طور کلی تغییر و بسیار گسترده تر شده است. با این حساب مقایسه این دو دوره با گذشت زمانی ۴۰ سال نیز نیازمند در نظر گرفتن شرایط در هر دوره است. شتاب تحولات به قدری وسیع است که حتی نمی‌توان یک سال را با سال بعد از آن مقایسه کرد. خوشبختانه ما در تعداد فیلمسازان در ۴ دهه اخیر بارش زیادی رو بر روی سینمای امروز چه از حیث کمی / کیفی و چه از حیث سرمایه انسانی رشد قابل توجهی را در چهار دهه اخیر داشته است، یکی از شاخصه‌های مهم رشد سینما همین رشد سرمایه انسانی است که طی آن فیلمسازان جوان به عرصه سینما ورود می‌کنند. در حال حاضر منظومه انسانی سینمای ایران منظومه گسترده‌ای است و به طور طبیعی شرایط حاضر می‌طلبد که امکانات نیز در خور همین حضور گسترده به تناسب بیشتر شوند، اما متأسفانه امکانات به تناسب این حضور گسترده نشده است. البته در دو سال گذشته زیرساخت‌های بسیار مهمی به سینمای ایران اضافه شد، زیرساخت‌هایی همچون تعداد سالن‌ها، تجهیزات فنی که با حمایت دولت و وزارت ارشاد به سینما اضافه شد. منتها رشد نیروی انسانی همچنان بیش از امکانات بوده و به همین دلیل است که برای برخی از فیلمسازان در سال‌های اخیر زمینه کار فراهم نشده است. چرا که امکانات حمایتی دولتی در کنار امکانات بخش خصوصی محدود و مشخص است. بنیاد سینمایی فارابی با در نظر گرفتن این واقعیت از عدم تناسب امکانات و متقاضیان فیلمسازی در تلاش است که یک سبد حمایتی خوب را برای حداکثری سینماگران فراهم کند. تا با این رویکرد هم فیلمسازان بنام و صاحب تجربه دعوت به کار شوند و هم به فیلمسازان جوان توجه کافی شود تا زمینه‌ای برای بروز استعدادهایشان فراهم باشد. چرا که همین استعدادهای تازه وارد به سینما پشتوانه‌ای برای سینمای فردای ما هستند. امسال با همین رویکرد در سیاستگذاری با برخی از فیلمسازان و سینماگران پیشکسوت گفتگو کردیم، همچنین از فیلمسازان جوان و کار اولی نیز حمایت کردیم. با در نظر گرفتن این واقعیت که امکانات حمایتی مادر فارابی محدود و مشخص است، ایده مادر این شرایط این است که حمایت حداکثری خود را در اختیار سینماگران قرار دهیم. اما حتماً محدود بودن امکانات این اجازه را به ما نمی‌دهد که بتوانیم همه سینماگران در حوزه فیلمسازی را مورد حمایت قرار دهیم و به سرانجام برسانیم. با همین نگاه از برخی سینماگران با تجربه در عرصه سینما دعوت کردیم برخی قبول کرده و دعوت پذیرفتند، برخی نیز اعلام کردند آمادگی این دعوت و یا آمادگی حضور در این عرصه را ندارند و نیاز به زمان دارند. اما چون این مسائل بنا به مصلحت اطلاع رسانی نمی‌شود این شائبه را پیش آورده که فارابی با فیلمسازان ارتباط موثری ندارد در صورتی که واقعیت این است که ما با همه فیلمسازان ارتباطاتی جامع و وسیع داریم و در تعامل هستیم.

مصطفی محمودی (مدیر روابط عمومی جشنواره ۳۵

کودک و نوجوان):

فیلمسازان به میدان بیایند و پاسخ بدهند

چرا به سینمای دهه ۶۰ بر نمی‌گردیم؟ خب یادمان نرود که شاید در ابتدا باید خیلی موارد دیگر را بررسی کنیم و بعد به مقایسه بپردازیم! دهه ۶۰ دهه‌ای بود که ما اینترنت و ماهواره نداشتیم، شبکه‌های اجتماعی و موبایل نبود تلویزیون تنها دو کانال داشت که برنامه‌های آن تا ۱۰ شب تمام می‌شد. آن زمان مقارن بود با دوران جنگ و دفاع مقدس که اصلی‌ترین و تنها ترین تفریح مردم سینما بود. امروزه روز زیر شاخه‌های تفریحی مردم حتی در حوزه کودک و نوجوان بسیار متفاوت و گسترده تر شده است، از استفاده ماهواره گرفته تا فضای مجازی و گوشی‌های تلفن همراه به همراه بن‌سازهای پلتفرمی که همه و همه در سبد تفریحی مردم سکنی گزیده است. پس موارد انتخابی تفریح مردم بسیار گسترده شده و برای مقایسه لازم است تمام این پیش فرض‌ها و عوامل در کنار یکدیگر قرار گیرند. با این حساب در واقع من این چالش‌ها را با این چالش پاسخ می‌دهم که اگر در سال ۱۴۰۲ همان شرایط دهه ۶۰ فراهم بود، از فیلم‌ها استقبال می‌شد یا خیر؟ من با تمام احترامی که به فیلمسازان دهه ۶۰ قائلم سوالم این است اگر این کارگردانان در شرایط اکنون یعنی ۱۴۰۲، فیلم می‌ساختند و اکران می‌کردند باز هم پرمخاطب بودند؟ به نظر من این چالش را خود فیلمسازان باید به میدان بیایند و پاسخ بگویند.

محمد سلیمانی (منتقد فیلم):

فیلم‌های آن دوره، ارتباطی مستقیم با جشنواره داشت

من این سوال را مستقیماً ربط می‌دهم به خود جشنواره، چرا که نحوه برگزاری جشنواره سینمای کودک و نوجوان در دهه ۶۰ و ۷۰ بسیار در فیلم‌هایی که تولید می‌شد موثر بود. در آن سال‌ها که به دوران طلایی سینمای کودک هم مصطلح است؛ جشنواره تأثیری بسیار مثبت و سازنده بر تولیدات سال بعد سینمای کودک داشت. دلیل آن هم این است که در دوره ۶۰ و ۷۰ در حین جشنواره جلساتی با رویکرد آسیب شناسی برگزار می‌شد. این جلسات که به صورت مفصل به سینمای کودک و نوجوان می‌پرداخت با حضور همه دست‌اندرکاران سینمایی و افراد شاخصی چون زنده یاد فرشته طائر پور و... همراه بود که همیشه پایه اصلی این جلسات بودند. همچنین حضور فیلمسازان حرفه‌ای نیز در این جلسات بسیار موثر بود. در حال حاضر اگر در ضمن برگزاری جشنواره جلساتی هم تشکیل شود با حضور افرادی اداره می‌شود که تخصص لازم برای آسیب‌شناسی در حوزه کودک را ندارند و به قولی حرفه‌ای نیستند. خیلی از فیلمسازان حرفه‌ای ما به دلایل مختلف کار انجام نمی‌دهند و به همین دلیل جشنواره‌های هم اگر برگزار شود در آن افراد حرفه‌ای و کاربلد حضور ندارند. با این حساب اگر نشست و جلساتی هم برگزار شود از نشست‌های تخصصی که در گذشته دائر می‌شد برخوردار نیست. در دهه ۶۰ و ۷۰ فیلم‌ها پس از حضور در جشنواره قبل از اکران سینمایی، مورد نقد و بررسی کاملی قرار می‌گرفتند. در این دوره از آن اتفاق هم خبری نیست. در صورتی که همین نقد و بررسی باعث می‌شد که خود فیلمساز به گواهی خود فیلمساز مورد نقد و تحلیل قرار بگیرد تا هیچ کدام از اشتباهات قبلی را در کارهای بعدی تکرار نکنند. بنابراین همانطور که شاهد هستیم مسئله سینمای کودک و جشنواره در یک زنجیره ارتباطی دو سویه با هم قرار دارند و روی هم تأثیر می‌گذارند. به نظر من اگر این اتفاق امسال بیفتد یعنی نشست‌ها و جلسات تخصصی در جشنواره برگزار شود می‌توانیم امیدوار باشیم در سال‌های آینده فیلم‌های بهتری را در سینمای کودک شاهد باشیم که از کیفیت سینمای گذشته برخوردار باشند. بخش ویتربنی جشنواره که در آن فیلم نمایش داده می‌شود یک بخش ماجراست بخش عمده دیگر آن جلسات نقد، بررسی و آسیب شناسی از حوزه سینمای کودک است که بر روند تولید آثار در سال‌های آتی تأثیر دارد. متأسفانه فیلم‌هایی که هم اکنون در جدول اکران جشنواره کودک جای گرفته، بخش ویتربنی ما را با مشکل مواجه خواهد کرد! چرا که هیچ جذابیتی نه برای تماشاگر عادی، نه برای منتقدان و همچنین کسانی که می‌خواهند نگاهی جدی به سینمای کودک داشته باشند را ندارند. اما به نظر من اگر آن بخش جدی‌تر و عمده جشنواره که برگزاری جلسات کارشناسی و آسیب‌شناسی است، امسال به صورت حرفه‌ای و با حضور اساتید برگزار شود، می‌تواند کمبود و نبود فیلم خوب را جبران کند، تا در سال‌های آینده شاهد مشکل تولید فیلم نباشیم.

رضا منتظری (منتقد فیلم):

ما هرگز به سینمای کودک دهه ۶۰ بر نمی‌گردیم

ما هرگز به سینمای کودک دهه ۶۰ بر نمی‌گردیم به علت چند اتفاق، یکی از آن اتفاق‌ها و البته از همه مهم‌تر این است که ما سینماگر کودک در این دوره تربیت نکرده‌ایم، در حالی که فیلمسازان کودک در دهه ۶۰ بسیار به روز بودند و برای کودک با توجه به مذاق و سلیقه‌ای که در آن دوره داشت اثر تولید می‌کردند و فیلم‌های ماندگاری چون گلنار، پاتال و آرزوهای بزرگ، دزد عروسک‌ها و سفر جادویی و غیره ساخته می‌شد که همگی ماندگار شده‌اند. مسئله اصلی این است که دغدغه تولید اثر برای کودک و نوجوان از بین رفته است. البته که فیلمساز هم حق دارد چرا که ماحصل تولید اثر در این حوزه با اکران نادرست و عدم حمایت مالی مواجه می‌شود! با این حساب انگیزه فیلمساز از بین می‌رود و به این نتیجه می‌رسد که اگر همین وقت، زمان و هزینه‌ها را برای یک کار کم‌مدتی مبتذل و سطحی می‌گذاشت، هم مدیر سینمایی از او حمایت بیشتری می‌کرد و هم از ویژه‌ترین اکران‌های سینمایی برخوردار می‌شد! و با تعداد سانس‌های کثیر در آمد خوبی داشته و به عنوان یک فیلمساز پولساز در سینما مطرح می‌شد. در کنار این مسئله مدیریت هم بسیار تأثیرگذار است، مادر تمام این سال‌ها به ویژه در بنیاد سینمای فارابی که در حوزه تخصصی کودک کار می‌کند شاهد مدیرانی بودیم که فقط شعار داده‌اند. مادر سینمای کودک سال‌هاست فقط شاهد شفاف و شعار هستیم. تاسیس و بازگشایی صندوق‌های مختلفی که هیچ نتیجه و عایده‌ای ندارد و تنها هزینه‌های بسیار گرانی است که در این میان تلف می‌شوند، بدون اینکه سینمای کودک ما را احیا کند! اتفاقی که این روزها می‌افتد بیشتر شبیه پر کردن یک بیلان کاری و گزارش کار است و مدیرانی که بدون توجه به کیفیت فقط تنها به دنبال افزایش بیلان خود هستند. اینکه مثلاً در دوره خود چند جشنواره برگزار کرده و یا چند فیلم ساخته‌اند، به این ترتیب هیچ کدام نه مدیر و نه فیلمساز دیگر دغدغه‌اش تولید اثر موثر نیست. در این میان از سینمای کودک و نوجوان تنها یک اسم باقی مانده که خیلی‌ها از

همین اسم و عنوان ارتزاق می‌کنند. همین می‌شود که در سی و پنجمین جشنواره کودک و نوجوان در میان فیلم‌های شرکت کننده هیچ فیلمساز مطرحی حضور ندارد و به جز علی قوی‌تن که سال‌هاست در این حوزه کار می‌کند هیچ فیلمساز با تجربه‌ای در حوزه کودک در میان این اسامی نیست. باید پرسیم چرا فیلمسازان کودک مرتب در صفحات شخصی خود در مصاحبه‌ها عنوان می‌کنند که کسی آنها را نمی‌پسند؟ صدایشان را نمی‌شنود؟ با این اوصاف معتقدم چه بهتر بود که اصلاً این جشنواره برگزار نشود و بودجه آن به تولید فیلم کودک و نوجوان اختصاص می‌یافت تا فیلمسازانی وارد این عرصه شوند که دغدغه دارند... در حال حاضر دو فیلم کودک در سینماهای ایران در حال اکران است میان صخره‌ها و بابا سیبیلو، دقت کنیم ببینیم این دو فیلم چند مخاطب داشته‌اند یکی از این فیلم‌ها در یک هفته تنها ۲۲ بلیت فروخته است، این فاجعه است. با این وضع مدیر فارابی باید از اکران فیلم‌ها حمایت کند، حمایت محدود به برگزاری جشنواره و تولید نیست، باید در پخش و اکران هم در کنار فیلمساز باشند، تا انگیزه و دغدغه لازم برای حضور مجدد آنها فراهم شود.

احمد رضامعراجی (فعال رسانه):

فیلم‌هایی برای کودک نه درباره کودک!

در جواب اینکه می‌پرسید چرا به سینمای کودک دهه ۶۰ بر نمی‌گردیم؟ من معتقدم که قرار هم نیست که برگردیم چرا که در آن دوره به دلیل نبود شبکه‌های مجازی و غیره مردم مجبور بودند از یک مدل سینمایی و سریالی استقبال کنند. با این حساب اساساً فکر کردن به آن دوره اصولاً فکر اشتباهی است. اما اینکه بتوانیم فیلم خوب تولید کنیم و اکران موفق‌تری را تجربه کنیم قطعاً مشکل این دوره است و باید برای آن برنامه‌ریزی شود. باید پرسید که کودک امروز از قاب سینما چه می‌خواهد؟ مثلاً فیلم الوالو من جوجوام که در دوره خود بسیار پرمخاطب بود قطعاً در این دوره بچه‌ها را با خود همراه نخواهد کرد. فیلم‌های ماندگاری که در دهه ۶۰ و ۷۰ تولید شده برای ما به جهت نوستالژی بسیار پراهمیت است و ممکن است برای کودک امروز به هیچ عنوان حتی جذاب هم نباشد. بچه‌های امروز از انیمیشن‌های امروزی تری مانند لوتو و پسر دلفینی استقبال می‌کنند. امروز ما باید برای سینمای رئال کودک فکری کنیم. فیلم‌هایی برای کودک نه درباره کودک! که شکافی جدی در این زمینه است. باید پذیرفت که انتقاد کردن راحت است و قطعاً مسئولان، فرشته نجات سینمای کودک در ایران نیستند.

داوود کنشلو (فعال رسانه):

آینده روشنی برای سینمای کودک متصور نیستیم

توقع اینکه سینمای کودک به شرایط آن دوره طلایی خود برگردد قطعاً توقع بیجایی است چون ابزاری که در آن مقطع در اختیار سینماگر کودک قرار داشت امروز نیست. مادر آن دوران سینماهایی داشتیم که مختص اکران و نمایش فیلم‌های کودک بودند، نه یک یاد سینما مجموعه سینماهای در حجم گسترده چه در تهران و چه در شهرستان. این امکانات در اکران باعث می‌شد که دغدغه سینماگر کودک در حوزه پخش و اکران از بین برود در امر تولید نیز جدا از حمایت‌های دولتی فیلمساز از حمایت‌های بخش خصوصی هم برخوردار می‌شد، بخش خصوصی به طور جدی به این حوزه ورود می‌کرد چون فیلم‌ها در گیشه موفق بودند و همین امر باعث می‌شد که بخش خصوصی و فیلمساز انگیزه حضور و سرمایه‌گذاری در این حوزه را داشته باشند. البته استثنائاتی هم در زمان حال وجود دارد، یعنی ممکن است، فیلمی در حال حاضر تولید شود و فروش خوبی هم داشته باشد ولی این مسئله کلیت سینمای کودک را در بر نمی‌گیرد. بنابراین من در این فضا آینده روشنی را برای سینمای کودک متصور نیستیم.

حسین قناعت (نویسنده و فیلمساز کودک):

تر جیح می‌دهم چیزی نگوییم...

شرایط و حشتناک است و حال من خیلی بد است و ترجیح می‌دهم چیزی نگوییم، همانطور که مدتی است با هیچ رسانه‌ای مصاحبه نکرده‌ام. جشنواره کودک خانه ماست اما من هیچ انگیزه‌ای برای صحبت در باره‌اش ندارم. در حال حاضر تنها در خانه نشسته و می‌نویسم. مدت‌هاست که در فضای مجازی و مطبوعات هیچ حرفی نمی‌زنم. در شرایطی هستیم که همه می‌دانیم ته ته فشار است. در این شرایط نمی‌توانم خود را راضی کنم که در مورد سینمای کودک در دهه ۶۰ شما صحبت کنم. واقعیت الان با وضعیت آن دوره کاملاً متفاوت است، آن دوران تنها دو شبکه داشتیم که برنامه پخش می‌کرد حالا وضعیت چیز دیگر است. وضعیت مالی و اقتصادی مردم به قدری اسفبار است که نمی‌توان از خانواده توقع داشت که با این گرانی و سختی به سینما بروند. من خاک پای همه بچه‌های این مملکت‌م و اگر که در خانه نشسته و می‌نویسم به عشق همین بچه‌ها و مردم است. امیدوارم در آینده روزی برسد که بار و حیه بهتر و شادتر در این مورد با هم صحبت کنیم.